

کنش‌های هندسه قدرت بر ساخت کالبدی فضاهای سلطنتی (مقدمه‌ای بر تبارشناسی مجموعه دولتخانه صفوی اصفهان)

اکبر معتمدی مهر* - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت، گروه جغرافیا، رشت، ایران
دانیال رحمت - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت،
رشت، ایران

پذیرش نهایی: ۹۰/۱۲/۲۵

دریافت مقاله: ۹۰/۲/۲۷

چکیده

سازمان فضایی شهرهای ایران در طول ادوار تاریخ تحت تأثیر عوامل گوناگون و به ویژه قدرت سیاسی متمرکز در حاکمیت قرار گرفته است. دولتخانه به عنوان محل استقرار دولت همواره مبین گفتمان سیاسی - اجتماعی دولت بوده است، این گفتمان به تبع شرایط سیاسی اجتماعی ایران دچار تحول گردیده است. فلذا ساختار کالبدی دولتخانه را نیز تغییر داده است. بررسی سیر تحولات فضایی دولتخانه در ایران تا دوره صفوی نشانگر سیر تحول در گفتمان دولت در تاریخ ایران می‌تواند باشد، تحولی که با گفتمان قدرت - دفاع آغاز می‌شود و در قدرت - سیاست به کمال می‌رسد.

واژگان کلیدی: دولتخانه، هندسه قدرت، گفتمان، شهر، کالبد، فضا.

motamedimehr@iaurasht.ac.ir

*نویسنده مسئول:

۱. مقدمه

عناصر شکل دهنده شهر ایرانی از بدو ایجاد نخستین نمونه‌های آن در هزاره اول پیش از میلاد در مواجهه با یکدیگر و عوامل خارجی پای در مسیر تکامل - عمدتاً آرگانیک - نهاده‌اند، این تکامل البته متأثر از برهم کنش بازه وسیعی از عوامل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره بوده است، که بدون تردید در ادوار مختلف تاریخی و به فراخور شرایط جاری کشور، درجات متفاوتی از اثر بخشی بر سازمان کالبدی و فضایی شهرهای ایران را موجب شده‌اند.

هندسه قدرت به مثابه چیدمان عناصر سیاسی و اقتصادی در کشور و روابط حاکم بر آنها، و شیوه تعامل میان اجزای حاکمیت و کنشگرهای خارج از آن و نهایتاً چگونگی پراکنش وزنی قدرت در اجزای اجتماع، اعم از درون حاکمیت و خارج از آن، یکی از اساسی‌ترین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری بافت شهرهای ایرانی بوده است و از این جهت شایان مذاقه می‌باشد. شیوه اعمال اراده حاکمیت در تشکیل فضاهای شهری و تکامل آنها در سطوح گوناگون اقتصادی، ایدئولوژیکی و امنیتی قابل بررسی است، چه در بسیاری موارد می‌تواند مبین آرمان‌ها و تجسد اندیشه مورد تأیید و تبلیغ حاکمیت باشد. این مهم وقتی اهمیت دو چندان می‌یابد که از تمرکز قدرت در رأس هرم دستگاه حاکمیت در ایران، در ادوار تاریخی مطلع باشیم.

دولتخانه در میان عناصر شهرهای ایرانی به واسطه ویژگی‌های منحصر به فردش جایگاهی ویژه دارد. دولتخانه مجموعه‌ای است شامل کاخ‌ها، باغ‌ها و اقامتگاه‌های سلطنتی که عناصر دیوانی و درباری را در کنار خویش نشانده است. دولتخانه در عین آنکه محل زندگی و استقرار سازمان فراطبقاتی سلطنت در ایران است، پنجره‌ایست که حاکمیت خود را از آن موضع رو به طبقات اجتماع و جهان خارج می‌گشاید. دولتخانه تجلی بصری حاکمیت - و به بیان دیگر شخص شاه - در انظار رعایاست، و در عین حال ترجمان بصری گفتمان مورد تأکید و تأیید نظام سلطنت است. دولتخانه همچنان که بدان خواهیم پرداخت در سیر تکامل تاریخی ملت ایران فرآیند صعود و افول را در کنار سلاطین و شاهان به خود دیده است و البته همواره و هر جا سلطانی سلطه یافته، قدرت در کالبد فضا و بنا و ذیل نام دارالحکومه یا قصرالعماره و یا دولتخانه متجلی شده است.

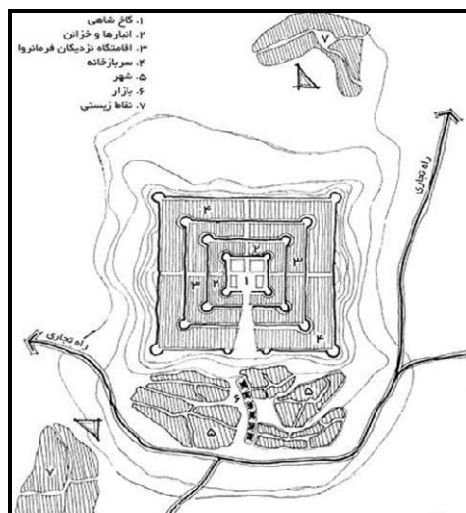
دولتخانه اصفهان به عنوان نقطه اوجی بر ساخت دولتخانه در ایران - پیش از آن که دخالت شیوه‌های بیگانه در پردازش فضاهای سلطنتی در عصر قاجار، باعث تحلیل رفتن بعد حکمی در سازماندهی فضایی و کالبدی آنان، و نقصان در درک متقابل میان دولت و ملت از زبان نمادین بناها گردد. و همچنین استقرار در نقطه عطف منحنی اندیشه سیاسی و دینی در ایران و در عین حال مصون ماندن بسیاری از بناهای متعلق به آن از نابودی و انهدام، شرایط منحصر به فردی را برای آزمودن این نظریه فراهم می‌آورد که؛ سازمان کالبدی و فضایی دولتخانه ترجمان بصری و صریح از گفتمان حاکمیت مطلقه و فراطبقاتی در ادوار مختلف تاریخ ایران بوده است.

این پژوهش مبتنی بر آرا و نظریاتی به عنوان پیش فرض‌های جامعه‌شناختی تحقیق شکل گرفته است، که محوری‌ترین آنها نظریه حکومت خودکامه متعلق به محمد علی همایون کاتوزیان است. همچنین رویکردی کارکردگرا و تاریخی دارد و ضمن بررسی فرآیند تکامل مفهوم دولتخانه از منظر کارکردی به تبارشناسی شیوه‌های پردازش فضاهای موسوم به دولتخانه در ایران از آغاز تا انتهای سلسله صفوی مبادرت می‌ورزد.

۲. مروری بر ادبیات تحقیق

۱-۲. مادها؛ پیدایش نخستین فضاهای شهری

با پیدایش نخستین مفاهیم حکومت در میان آریایی‌های ایران مقارن با هزاره اول قبل از میلاد و تأسیس رسمی حکومت ماد در سال ۷۰۸ پیش از میلاد، مادها ضمن منازعه با بومیان اصلی، قلعه‌هایی در متصرفات خود احداث کردند که هسته اولیه شهرهای ماد را تشکیل می‌دادند. مادها به عنوان شکل دهنده نخستین نظام حکومتی ایران با ساخت دژهای تو در تو مفهوم (شهر- تپه) را در ابعاد وسیع در سرتاسر سرزمین‌های غربی ایران که آماج حملات ویرانگر آشوریان و اورارتویی‌ها بوده است گسترش می‌دهند. شهرها در این دوره معمولاً نقاط سوق الجیشی پر اهمیتی بودند که بر راه‌های تجاری نظامی، بنیان و توسعه یافته بودند (نظریان، ۱۳۸۸: ۵۵-۵۴). در واقع بنای استحکامات نظامی و دفاعی که به منظور سیانت از مفهوم تازه شکل گرفته حکومت، در دوره ماد انجام گرفت پیش از آن که موجد مفهوم شهر در ایران باشد نمایانگر وجود دولت و در پس آن معرف دولتخانه است. در واقع شهرهای مادی سکونتگاه‌هایی بودند که گرداگرد و یا در همسایگی دژهای مستحکم حکومتی و تنها در سایه امنیت دژها شکل گرفته بودند و بارو آنان را در بر نمی‌گرفت. و تفکیک کالبدی دولتخانه (کهندژ) و محلات شهر از یکدیگر نشانگر شیوه تمرکز قدرت در سازمان سیاسی حکومت مادهاست. چنانچه هرودوت در باره نخستین فرمانروای ماد می‌نویسد: دیاکو، نخستین پادشاه ماد بعد از رسیدن به قدرت و ساختن هگمتانه به دور از چشم بیگانگان و مردم خویش می‌زیست (ریچارد، ۱۹۸۵: ۴). شار مادی در این مرحله بیش از هر چیز تبلور قدرت قاهر متمرکز و ورای طبقات است. قدرتی که هم مظهر آسمان و قوانین آن است و هم مظهر تنظیم و تنسيق ارتباطات و روابط زمینی است (حبیبی، ۱۳۷۸: ۷). دولتخانه در این مرحله از رشد خویش بنا به ملاحظات امنیتی بر بلندای تپه‌ای شکل می‌گیرد که در عین حال نقطه اتصال بصری منظر شهری نیز هست. منظر کاخ مادی در بلندترین نقطه‌ی زمین و نزدیک ترین نقطه به آسمان در کنار تفکیک کالبدی سکونتگاه‌های شهری از فضاهای سلطنتی با بیانی نمادین به القای جایگاه فراطبقاتی حاکمیت از توده مردم می‌پردازد (شکل ۱).



شکل ۱. شهر ماد (منبع: حبیبی، ۱۳۵۳)

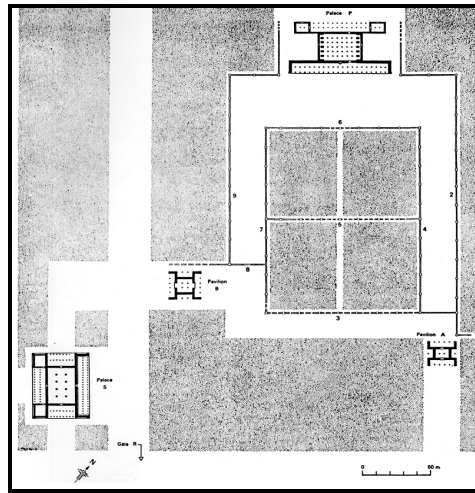
این دوره تاریخی شاهد حصول دستاوردیست که تا دوره قاجار (قرن نوزدهم میلادی) در بسیاری از شهرهای ایران به چشم می‌خورد. ارگ حکومتی یا کهنه‌دژ؛ مجموعه‌ای از فضاها و تأسیسات شامل: قصر یا کاخ امپراتوری و بخش نظامی می‌شد، این بخش با حصارهای بلندی خود را از بخش‌های دیگر جدا می‌کرد. این دژ در بالاترین نقطه شهر و مهم‌ترین نقطه سوق الجیشی ساخته شده و با دیوارهای سنگی محافظت می‌گردید (نظریان، ۱۳۸۸: ۷۲). این مفاهیم به موازات توسعه مفهوم دولت و گسترش توان نظامی و اقتصادی آن، تکامل کالبدی می‌یابند. پیدایش ارگ در این دوره زمانی و بستر مکانی بیش از هر دلیل دیگری در اثر وجود خطرات ناشی از تهاجمات بیگانه و جنگ‌های درون سرزمینی است که تاریخ ماد سراسر بدان پیوند خورده است. ایجاد قلاع و قصرهای شاهی البته منحصر به ایرانیان نبوده است و به وضوح در شهرهای بین‌النهرین از هزاره سوم قبل از میلاد آشکار است که حکایت از اهمیت مقوله دفاع در شهرهای خاورمیانه دارد این مجموعه‌ها بی‌تردید بر ساخت و توسعه نمونه‌های بعدی در ایران اثرگذار بوده‌اند.

دولتخانه در این مرحله از حیات خویش، مبین گفتمان غالب حاکمیت است. حاکمیتی که در وهله نخست به منظور ایجاد امنیت نظامی و دفاعی شکل گرفته است و در عین حال بر ماهیت فراطبقاتی نظام سلطنت و به بیان بهتر برتری ماهوی شاه بر رعیت تأکید می‌کند. دولت در نخستین سال‌های شکل‌گیری آن در ایران در ساخت فضاهای دفاعی-نظامی به دنبال تولید و تمرکز قدرت است (حبیبی، ۱۳۷۸: ۵۹) و لاجرم گفتمان حاکمیت در دولتخانه بیش از هر چیز دیگر گفتمان قدرت-دفاع است. در عین حال گفتمان قدرت - فزونی به معنی تأکید بر برتری ماهوی و ماهیت فرا طبقاتی مقام سلطنت در شیوه استقرار دژ حکومتی و استقرار طبقات اجتماع در خارج از آن مستتر است این رویه با تغییراتی از این پس به گفتمان رایج دولت و ملت در ایران بدل می‌شود.

۲-۲. هخامنشیان؛ توسعه دولتخانه در بستر امنیت

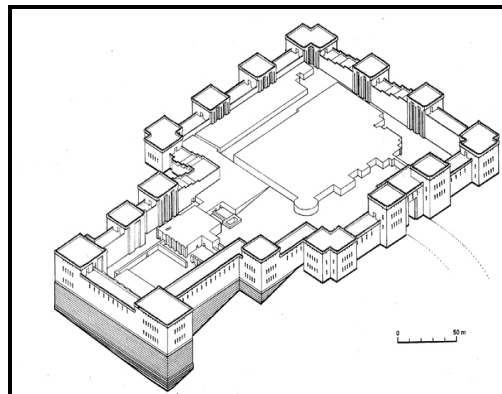
با نهادینه شدن مفهوم دولت در ورای طبقات اجتماعی و همچنین توسعه سکونتگاه‌های شهری در ایران و گسترش قلمرو تحت حاکمیت شاهان ایران مفاهیم تازه‌تری وارد ساختار کالبدی دولتخانه می‌گردد. در واقع دولتخانه که بدو قلع‌های نظامی بود با در برگرفتن کاخ‌های شکوهمند ترو نهادهای دیوانی بر وجود تمایز میان طبقه حاکم و در رأس آن شاه با توده جامعه تأکید می‌ورزد.

مجموعه کاخ‌های سلطنتی کوروش هخامنشی یا همان پاسارگاد در واقع تأمین‌کننده کارکردهای مذکور برای ابعاد امپراطوری تازه تأسیس ایران است که بی‌تردید مقتضیات آن فراتر از ایران عمدتاً مدافع در دوران مادهاست. با توسعه امپراتوری و کاهش خطر تهدیدات مهاجمان جنبه دفاعی بافت دولتخانه به طرز قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌یابد و دولتخانه مجال استقرار در خارج از شهر را می‌یابد امری که تا سده‌های بعد ادامه می‌یابد، همچنین جلوه‌های هنری به منظور تجلی بخشی به باورهای آرمانی حکومت بشکل قابل ملاحظه‌ای بیشتر می‌شود. به موازات کاهش نقش عامل دفاع در طراحی مجموعه‌های شاهی توسعه کالبدی و بسط فیزیکی فضاها رخ می‌دهد و این مقدمه‌ای برای پیدایش باغ‌ها (پارادائزه) و اوج‌گیری آن در اندک زمانی است. ایجاد باغ در عین حال نمی‌تواند بی‌ارتباط با باورهای دینی پارسیان در تجسم بهشت بوده باشد (شکل ۲).



شکل ۲. پاسارگاد (منبع: دیوید استروناخ، دایره المعارف ایرانیکا)

مجموعه‌های شاهی هخامنشی با بهره‌گیری از میراث متصرفات ایرانیان در ابعاد وسیع و فرم‌های تکامل یافته مشتمل بر باغ‌ها (پارادائیزه) و کاخ‌های با رعام است پارادائیزه منبع الهامات دینی یونانیان و سامی‌ها در اعصار بعد می‌گردد در واقع «از زمان امپراتوری هخامنشی است که اندیشه بهشت زمینی به نوشتار و زبان‌های فرهنگ‌های دیگر رسوخ کرده است. واژه اوستایی پاریدائزا- پاریدایدا در فارسی باستان- (به معنی با دیوار محصور شده یا باغ دیوار دار)، در زبان یونانی به پارادیسوی ترجمه شد و سپس به پارادیسوس در لاتین بدل گردید و از آنجا به زبان‌های اروپایی وارد شد که پارادیس در فرانسه و پارادایز در انگلیسی از آن دسته‌اند. این واژه همچنین وارد زبان‌های سامی شد: پاردسو در آکادی، پردس در عبری و فردوس در عربی (۲۰۰۵، Fakhur Gardeni). (شکل ۳).



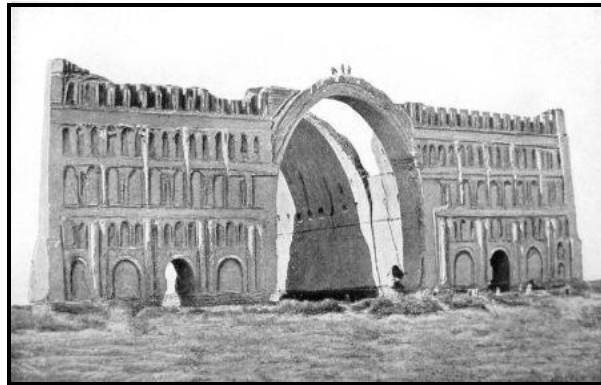
شکل ۳. پاسارگاد (منبع: دیوید استروناخ، دایره المعارف ایرانیکا)

در ارتباط با دولتخانه هخامنشی ذکر این نکته الزامی است که مفهوم پایتخت همچنان در این دوره تکامل نیافته است و در فصول مختلف شاهان در شهرهای مختلف سکونت می‌یابند و در واقع پایتخت همان جایی است که شاه در آن حاضر است. ساختار دولتخانه در طی قرون متمادی تابعی است از شرایط جغرافیایی، سیاسی و اجتماعی پایتخت به عبارت دیگر هر چه

اقتدار حکومت و تمرکز سیاسی در آن بیشتر می‌شود مجموعه‌های شاهی ابعاد بزرگتر و ساختار کالبدی گسترده تری به خود می‌گیرند. ایجاد این ساختارها در واقع تلاشی است به منظور نمایش جلوه‌ی مینوی شاه و کاخ و باغ بهشت آسای سلطنتی تجسمی‌ست از باورهای رسمی حاکمیت. در این دوره مفهوم قدرت - دفاع در کالبد دولتخانه تا سطح مفاهیم قدرت - ثروت، قدرت - دین و قدرت - هنر به عنوان دستاوردهای سلطنت هخامنشی ذیل مفهوم کهن قدرت - فزونی ارتقا می‌یابد.

۲-۳. ساسانیان؛ امتداد سنت‌ها و توسعه مفاهیم

دولتخانه در این عصر در عین وفاداری به اصول به ارث رسیده از پیش به تکامل ساختار کالبدی خویش می‌پردازد، مجموعه‌های شاهی ساسانی در تیسفون در ۳۵ کیلومتری جنوب بغداد شاهی بر این مدعاست کاخ تیسفون و ایوان همراه با طاق عظیم آن به وسیله انوشیروان (دوره حکومت ۵۳۱ تا ۵۷۹ میلادی) ساخته شده و معروف ترین اثر ساسانی است، دورتا دور این بنای عظیم باغی بوده و سه ساختمان شبیه به آن در جبهه‌های مختلف قرار داشته است. آنچه مسلم است حد فاصل این کاخ عظیم و رودخانه دجله که از نزدیک آن می‌گذرد باغی بوده است (نعیما، ۱۳۸۸: ۱۲). (شکل ۴).



شکل ۴. کاخ خسرو (منبع: ویکی پدیا)

تعریف این مجموعه عظیم سلطنتی که سال‌ها محل استقرار شاهان ایران بوده است دیگر چون پارادایز در دوران هخامنشی مبتنی بر وجود دیوار نیست. این دولتخانه عظیم از جانبی به رودخانه ختم می‌شود که نشان از تعدیل بیش از پیش مفهوم دفاع در سازماندهی فضایی مجموعه‌های شاهی دارد. و در عین حال دولتخانه در دوره‌ی ساسانی همانند دولتخانه‌ی هخامنشی در فاصله‌ای از شهر می‌نشیند تا شاید آسودگی بیشتری در امر تشریفات حاصل شود. البته جدایی‌گزینی ساسانی در اثر تکامل مفهوم فراطبقاتی سلطنت و پیدایش کاست‌های اجتماعی در این عصر نیز قابل تحلیل است که تشریح کامل آن در این بحث نخواهد گنجید. همچنین باید دانست که شاهان ساسانی از این کاخ - ایوان کسری - در تیسفون تنها به منظور اقامت زمستانی بهره می‌بردند و تابستان‌ها را در مناطق مرتفع و خنک‌تر فلات ایران سپری می‌کردند (دایره المعارف ایرانیکا). (شکل ۵).



شکل ۵. کاخ فیروز آباد (منبع: آرشیو، رضوی)

دولتخانه در این مرحله با حفظ مفاهیم به ارث رسیده از پیش از قبیل مفاهیم قدرت - هنر و قدرت - ثروت، سازمان کالبدی خویش را بر گفتمان قدرت - لذت و بیش از هر چیز گفتمان قدرت - فزونی استوار می‌سازد. فزونی مبتنی بر عدم تساوی اساسی شاه و رعیت و نگاهی افراطی به وجوه فراطبقاتی حاکمیت در ایران.

۲-۴. اعراب؛ گسترش شیوه‌های ایرانی

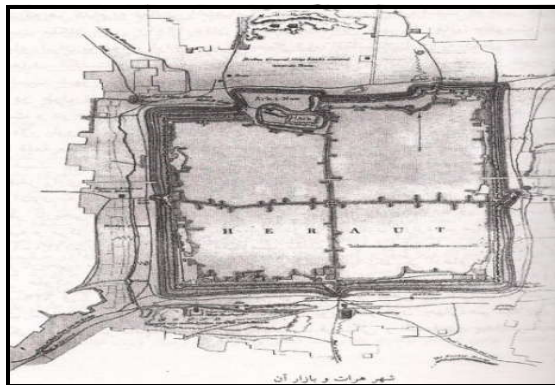
با فتح ایران توسط اعراب در قرن ششم میلادی و نبود حکومت‌های ایرانی تا دو قرن پس از آن شیوه‌های ایرانی تنها با تأثیرگذاری بر اعراب به بقای خود ادامه می‌دهند چنانچه یافته‌های باستان شناسی نشان داده است. از اواخر دوره ساسانیان تا اوایل دوره اسلامی اصول سازماندهی یکسانی در پردازش فضاهای سلطنتی برقرار بوده است (Kleiss, ۱۹۹۳:۲۶۹-۲۸۰). و بدین ترتیب این اصول درسراسر سرزمین‌های اسلام از هند گرفته تا اسپانیا گسترش می‌یابد. در قرون اولیه اسلامی یک قلعه نظامی از سوی اعراب فاتح در کنار شهر و به منظور ایمنی و دوری از خطر شورش ساکنان شهرهای اشغالی احداث می‌شد. اعراب همچنین برپایی اردوهای نظامی را در مناطق و قلمروهای اشغالی یا در توقف گاه طول مسیر خود و در جوار ایالت‌های مورد نظر، در جهت ضرورت‌های نظارت و مراقبت و یا به دلیل نیاز و اداره دائمی مناطق تحت اشغال به کار می‌بستند ولی جدا و متفاوت از مفاهیم شهری نسبت به شهرهای اشغالی. در مواردی نیز که غلبه جمعیتی سرزمین‌های تصرف بیش از توان مهارتی در اعراب بوده است، به ساخت نو شهرهایی در فواصل نسبتاً زیادتری از شهرهای اصلی اشغال شده مبادرت ورزیده‌اند. در واقع شهرهای نظیر کوفه، بصره و موصل از این قبیل می‌باشند و موجودیت خود را مدیون ملاحظات ایمنی و استراتژیکی فاتحان عرب برای تسلط بر سرزمین‌های تصرف شده‌اند. کوفه در سال ۶۳۸ توسط سعدبن ابی‌وقاص پایه‌ریزی شده است و در سال‌های بعد برای تسلط بر عراق و شام و با جدایی‌گزینی استراتژیکی از تیسفون به پایتختی انتخاب می‌شود. این شهر در برگرفته یک مسجد جامع، ساختمان حکومتی، اقامتگاهی به نام قصرالاماره و میدان است (کونثو، ۱۳۸۴: ۱۱۱-۱۱۳).

با توسعه امکانات نظامی و بسط نظام سیاسی اعراب در سرزمین‌های تصرف شده این سازمان دفاعی به تدریج تعدیل شده به شمایل سازمان کالبدی شهرها پیش از اشغال گرایش می‌یابد و دولتخانه به عنوان محل استقرار طبقه حاکم و سرآغاز این گرایش است. شهر دمشق را باید نمونه‌ای نخستین از این تحول دانست که کاخ حکومتی بیزانسی به محل سلطنت معاویه بدل می‌شود، کاخ معاویه‌الخضراء یا کاخ سبز نامیده می‌شد گویا بدین سبب که گنبد سبز بزرگی داشت. ظاهراً در کاخ معاویه دو بخش متمایز وجود داشت: محل سکونت خانواده او و دربارش (Sayyad, ۱۹۹۲: ۲۶-۳۳).

تمرکز تلاش برای تثبیت طبقه حاکم در ورای طبقات اجتماعی عرب و غیر عرب و توسعه سرزمین‌های اسلامی طی قرون اولیه اسلامی خواسته یا ناخواسته اعراب را بر آن داشت تا به شیوه‌های دیوان سالاری ایرانی رجوع کنند این شیوه‌ها با تأکید بر قدرت مطلقه شاهی به احیای نظام کالبدی خویش می‌پردازد. مفهوم ایرانی قدرت مطلقه شاهی که ریشه در مفهومی دینی به نام فره ایزدی داشت با باور عمومی اعراب مسلمان به مفهوم خلیفه سازگاری و هم‌آوایی می‌یابد. این سازگاری به طرز ملموسی به نمونه ایرانی گرایش دارد. همچنین اعراب با ایجاد تمایز میان عرب و غیرعرب از سویی و قائل شدن به برتری قبیله‌ای بر قبیله دیگر از سوی دیگر به شکلی ضمنی به احیای کاست‌های اجتماعی در اجتماع پرداختند. با این حال فرآیند استحاله سازمان کالبدی عرب به ایرانی تا اواخر قرن دوم هجری به درازا می‌کشد. زمانی که ایرانیان موفق به تشکیل نخستین حکومت‌های مستقل خویش و احیای سازمان سیاسی پادشاهی می‌گردند (راوندی، ۱۳۶۷). گفتمان دولتخانه عربی در قرون اولیه اسلامی را می‌توان در قالب کلی قدرت-دوگانگی و قدرت-دین بیش از هر بیان دیگری تشریح کرد.

۲-۵. تیموریان؛ فصلی نو

یورش مغول فصلی نو در تاریخ ایران و جهان می‌گشاید، که آخرین مرحله از آن یعنی استقرار دولت مقتدر تیموری در ایران شاکله اصلی مجموعه‌های شاهی دوران بعد را پی می‌ریزد. شاهان تیموری که اصالتاً اهل آسیای میانه بودند، این رسم متعلق به دوران گذشته‌های دور چادر نشینی یا نیمه چادر نشینی خود را که کاخ سلطنتی در واقع متشکل از چادری بزرگ بود، را حفظ کردند. اخلاف تیمور که هرات (شکل ۶) را به پایتختی برگزیدند همچنان به اقامت در خارج از حصار شهر ادامه داد (شوپه، ۱۳۸۵).



شکل ۶. شهر هرات در قرن نوزدهم میلادی (منبع: شفقی، ۱۳۸۱)

شیوه استقرار عناصر دولتخانه و کاخ‌های سلطنتی در دوران تیموری عمدتاً بر پایه احداث باغی بزرگ در خارج از شهر و اتصال باغ به شهر توسط یک خیابان پایه‌ریزی شده است. باغ به عنوان نماد تسلط انسان بر محیط خشک و سخت نمادی از قدرت شاه در تسلط بر سرزمین‌های تابعه است. ضمناً با ایجاد فضای فرح انگیز بستری برای بزم‌های شاهانه فراهم می‌کند. تیموریان بنا بر آنچه از آنان در افغانستان و آسیای میانه بر جای مانده است با اقامت در بیرون شهرها و ساخت باغ‌های سلطنتی عظیم و پر تعداد به راستی سنت ساخت دولتخانه‌های شکوهمند ایرانی را احیا می‌کنند. تعدد این باغ‌ها نشان از اهمیت مغوله ساخت دولتخانه در عصر تیموری دارد. در پایان حکومت سلطان محمد بایقرا حدود پنجاه اقامتگاه متعلق به خانواده سلطنتی و اشراف در اطراف هرات وجود داشته است (شویه، ۱۳۸۵). (شکل ۷).



شکل ۷. اقامتگاه سلطنتی در هرات تیموری

نکته حائز توجه در این باره این است مجموعه‌های سلطنتی در هرات تیموری محل اقامت خاندان سلطنتی نیز بوده‌اند و این بدین معناست که خاندان سلطنتی در شهر اقامت نداشته‌اند که این همچنان که گفته شد می‌تواند ناشی از عادات چادر نشینی آنان باشد. مفهوم خان مغول با مفهوم ایرانی شاه و مفهوم اسلامی خلیفه به ویژه پس از سقوط بغداد به سال ۶۵۶ ه.ق توسط هلاکو خان و فروپاشی سازمان عقیدتی و سیاسی خلافت که تا آن زمان در انحصار اعراب بود، در می‌آمیزد و شمه‌ای الهی می‌یابد. زوال عملی مفهوم خلافت در تاریخ اندیشه سیاسی اسلام - آن هم به تحریک یا دستکم تأیید وزیر ایرانی خواجه نصیرالدین طوسی (جعفریان، ۱۳۸۹)، موجب بسط حوزه اقتدار سلطانی به ساحت رهبری دینی و بالتبع تقرب مفهوم سامی خلیفه با مفهوم ایرانی شاه می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۸۸). امتزاج این مفاهیم و به عبارت دیگر قبضه آنان توسط خان مغول بزودی به شکل‌گیری شیوه نوینی از خودکامگی منجر می‌گردد که افسارگسیختگی حاکمیت در برابر کلیه شرایط و قوانین، از عواقب آن است (کاتوزیان، ۱۳۸۸). حکومت مغول و تیموریان به عنوان نمونه متأخر آن پس از گرایش به اسلام از بعد نظری بیش از هر چیز دیگر متکی بر نظریه اولوالامر است، نظریه‌ای که اساس آن بنا به تفسیر عمومی مفسرین دینی مبتنی بر اصل تغلب است. با مروری بر سیر اندیشه در عصر مغول و انطباق مفاهیم آن بر شیوه‌های معماری و به ویژه ساختار کالبدی و فضایی دولتخانه به درستی می‌توان به گفتمان عام دولت‌های مغول و تیموری پی برد. تأکید بر شکوه، بزرگی و جلوه‌گری بناها به ویژه در مساجد، کاخ‌ها و باغ‌ها - به عنوان اجزای اصلی تشکیل دهنده

مجموعه‌های سلطنتی - بی‌تردید نمایانگر تلاش برای القای گفتمان قدرت - سلطه است. گفتمانی که در ساخت بناهای شکوهمند و باغ‌های وسیع در هرات تیموری به دنبال آوردن تضمین بصری در تأیید اصل تغلب در مشروعیت سیاسی و بیان نمادین از قدرت حکومت است (طباطبایی، ۱۳۸۸).

۲-۶. صفویه؛ احیاً سازمان سلطنت و باز تولید مبانی قدرت

حکومت صفوی با تکیه بر مفاهیم عرفانی از سویی و تکیه بر تعبیر و تفاسیر شریعت از نظرگاه مذهب شیعه از دیگر سوی موفق می‌شود تا پایگاه اجتماعی بسیار گسترده‌ای در خطه‌ای بس وسیع را بدست آورد. این حکومت با حرکت از مفهوم مراد و مرید، پیر و سالک و ... نوعی سازماندهی فرقه‌ای - حزبی را در مملکت می‌گستراند و بدین ترتیب متمرکزترین دولت ایرانی دوره اسلامی بعد از دولت قاهر ساسانی را پی می‌نهد. سازمان فرقه‌ای و تشکیلات منضبط ناشی از آن دولت صفوی را قادر می‌سازد تا بر همه‌ی شئون زندگی مردمان تسلط یابد (حبیبی، ۱۳۷۸: ۸۷-۸۸).

آغاز سلطنت شاه عباس اول (که از سال ۹۹۶ تا ۱۰۳۸ هجری قمری حکومت نمود) به کمک مرشد قلی‌خان استاجلو والی خراسان مصادف است با بی‌ثباتی‌های گسترده در سرار ایران و در عین حال تعرضات گسترده از جانب بیگانگان. شاه جوان که شانزده سال بیش ندارد، پیش از هر چیز باید به اصلاح امور کشور بپردازد و در رأس آن احیاً مفهوم تضعیف شده سلطنت تا در سایه یک سلطنت مقتدر به احیاً قدرت ملی بپردازد. نخستین اقدام عباس اول در جهت نیل به این هدف سرکوب بی‌رحمانه رقبا و مخالفان است (رومیر، ۱۳۸۰: ۸۵-۷۷). شاه در عین حال به احیای مبانی نظری سلطنت و باز تعریف بسیاری از عوامل مشروعیت می‌پردازد؛ پایه سلطنت شاه عباس اول از سویی مبتنی بر نظریه قدیمی «السلطان ظل الله» و «شاه سایه خدا» بوده است. و از سوی دیگر بر مفهوم صوفیانه «مرشد کامل» تکیه می‌زده است. مقام مرشد کامل جایگاهیست معنوی که شاهان صفوی آن را از اجداد خویش که صوفیانی نامدار و رهبران طریقت اردبیل بوده، به ارث برده‌اند. این جایگاه در عمل نشانگر شخصیت فرا انسانی شاه صفوی در مقام رهبری اجتماع است. و نهایتاً پایه‌ای که مبانی سلطنت عباس اول را مستحکم می‌کند و آن را مشروعیت می‌بخشد نظریه «ولایت دینی» است که سلطنت را «جزوی از اجزای نبوت و ولایت» می‌گرداند (آقاجری، ۱۳۸۸: ۲۱۷).

همچنین انتصاب خاندان صفوی به سلاله پیامبر اسلام از سوی سلاطین صفوی را نمی‌توان بی ارتباط با تلاش آنان جهت کسب ولایت دینی دانست که بنا به باورهای شیعه تنها متعلق به خاندان پیامبر اسلام است، در واقع این مفاهیم که ریشه در مضامین دینی و باورهای اجتماعی ایرانیان آن عصر داشته‌اند شاه را نه تنها به عنوان صاحب بلامنازع تاج و تخت بلکه به عنوان صاحب مشروع آن در انظار عمومی به تصویر می‌کشد. شاه عباس اول در ساختار مدیریت کلان کشور نیز دست به اصلاحات گسترده می‌زند، شیوه‌های پیشین تیولداری رایج در ایران که عملاً نوعی ملوک‌الطوایفی را سبب می‌شد، جای خود را به تیولداری متمرکز و قاهر دولتی می‌بخشد. این امر موجب ایجاد تسلط شاه بر دورترین نقاط کشور و در نتیجه بسط شیوه‌های صفوی در دورترین نقاط تحت حاکمیت شاه می‌گردد (حبیبی، ۱۳۷۸: ۸۹).

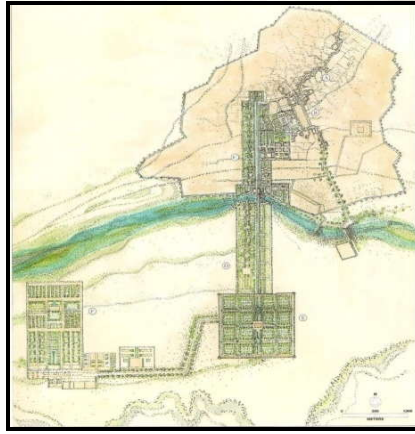
اصفهان اما در سال ۱۰۰۶ ه. ق. توسط شاه عباس اول صفوی به پایتختی برگزیده می‌شود، اصفهان از زمان بنیاد آن در دوره حکومت ساسانی به عنوان پایگاه نظامی یک مرکز مهم شهری بوده است. موقعیت پایدار ژئواستراتژیک، مزایای کشاورزی و سهولت دسترسی و فراوانی آب حاصل از زاینده رود (به معنی رود حیات بخش و زاینده و از نو زاینده شونده) آن را قادر ساخت به کلان‌شهری پیشرو تبدیل شود. موقعیت استراتژیک شهر در مرکز خطوط تجاری از چین به امپراتوری عثمانی و اروپا و از خلیج فارس به روسیه، همچنین وجود پایگاه دوگانه کشاورزی تجاری پایه‌های بقای آن را به عنوان مرکزی شهری فراهم آورد (شفقی، ۱۳۸۱). و بدین منظور شیخ بهایی معمار و فیلسوف بزرگ ایرانی به دستور شاه عباس طرحی نو برای اصفهان در می‌افکند. بنای شهر اصفهان به مثابه آرمان‌شهر دولت صفوی، مبتنی بر آرای حکمی و فلسفی مکتب اصفهان و نماد و تجسم و تجسد کالبدی- فضایی مفاهیم آن است (اهری، ۱۳۸۰: ۱۰).

۳. روش‌شناسی تحقیق

چارچوب کلی مورد استفاده در این پژوهش، روش تحقیق تاریخی و در عین حال توصیفی است. اطلاعات مورد نیاز این پژوهش عمدتاً مبتنی بر شیوه کتابخانه‌ای ایست. همچنین علیرغم به کارگیری نظرات محققین و دانشمندان معاصر از نظرات نویسندگان و سفرنامه نویسان اعصار پیشین نیز استفاده شده است که اسناد و نوشته‌های عصر صفوی بالاخص نویسندگان و سفرنامه نویسان اروپایی از شاخص‌ترین این منابع می‌باشند. همچنین در این پژوهش رویکردی به مقوله منظر یا چشم‌انداز اتخاذ شده است. از قرون وسطی به بعد مفهوم چشم‌انداز در معماری، برنامه‌ریزی شهری، نقاشی‌ها، رمان‌ها و سفرنامه‌ها وارد شده است. مکتب اصفهان نیز به عنوان یکی از مکاتب پیشرو در علم چشم‌انداز یا منظر شهری سرشار از نکات و توجهات ظریف است.

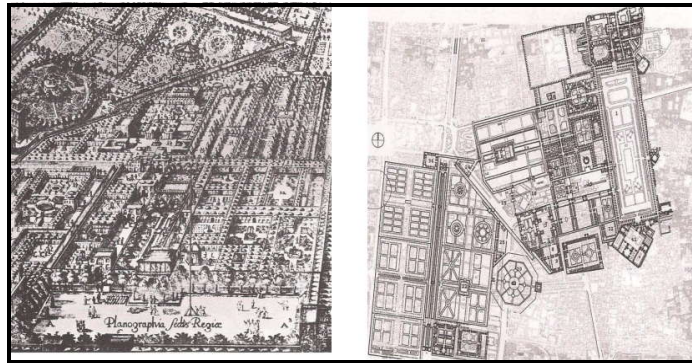
۴. یافته‌ها

دولتخانه صفوی در غرب میدان بزرگ و مجلل شاه احداث گردیده است و توسط ورودی‌های متعدد به تمامی غرب میدان جلوه‌ای سلطنتی بخشیده است. همچنین دولتخانه در شرق خیابان سلطنتی چارباغ قرار دارد که منتهی به باغات سلطنتی هزارجریب منتهی‌الیه جنوبی شهر می‌شود. دولتخانه صفوی طی ادوار مختلف و ادوار سلطنت شاهان صفوی شکل گرفته است که استخوان بندی آن مبتنی بر محور خیابان چارباغ است که در دوره سلطنت شاه عباس اول ساخته شده است (شکل ۸).



شکل ۸. شهر اصفهان در دوره صفویه

به منظور ایجاد درک بهتر از ارتباط قدرت و مفاهیم شهرسازانه مستتر و آشکار در دولتخانه به تشریح ارتباط میان دولتخانه و فضاهای عمومی دربرگیرنده آن می‌پردازیم (اشکال ۹ و ۱۰).



شکل ۱۰. دولتخانه اصفهان در قرت نوزدهم

شکل ۹. دولتخانه اصفهان در قرن هفدهم

- چارباغ

چارباغ خیابانی است در راستای شمال به جنوب و بنا بر تخمین‌های شاردن و پاسکال کوست (سیاحانی که در دوره صفوی از اصفهان دیدن کرده‌اند) با طولی بیش از سه هزار متر در دو سوی رودخانه زاینده رود امتداد می‌یابد. چارباغ بعنوان بخشی از باغ‌های سلطنتی و با عملکرد تفرجگاه عمومی به عنوان ابتکاری منحصر به فرد، فصلی نو در سازماندهی فضایی شهرهای ایران می‌گشاید. همچنین برای نخستین بار است که فضاهای سلطنتی به روی عموم گشوده می‌شوند. باغ‌های شاه و اشراف در کناره این خیابان گسترده شده و زنان شاه در کنار دیگر زنان به تفرج می‌پردازند. این خیابان در عین حال محل برگزاری مراسم مذهبی و جشن‌های ایرانی می‌باشد که در مواردی شاه نیز در آن شرکت می‌جسته است (شاردن، ۱۳۷۲).

چارباغ ترکیبی بود از باغ و خیابان که تا آن زمان نه در ایران نظیری داشت و نه در شهرهای اروپایی. چهارباغ هم معبر شهری و هم گردشگاه عمومی و هم محوری بود که همراه با زاینده رود اساس ساختار شهر جدید اصفهان را پدید می‌آورد (اسماعیلی، ۱۳۸۷). شاه با استقرار

دولتخانه صفوی در کنار چهارباغ و به عبارت بهتر ایجاد تفرج گاهی عمومی در دل باغ‌های شاهی به نحوی به ایجاد شالوده‌ای از رفاه در ذیل قدرت سلطنتی خویش اقدام می‌کند. این ارتباط فضایی میان دولتخانه و چهارباغ نشان از درهم تنیدگی منافع دولت و ملت در ساختار حکومت شاه عباس صفوی دارد. این پیچیدگی زمانی آشکارتر می‌گردد که فضای میدان شاه و بازار منتهی به آنرا نیز در این ترکیب فضایی مد نظر قرار دهیم. به عبارت بهتر در هم تنیدگی مفهوم مشروعیت شاه و رفاه در این دوره تاریخی در قالب یک ترکیب فضایی قابل رویت است. البته این جملات نباید به معنی اتکای نظام سلطنت بر طبقه‌ای از طبقات اجتماع و یا تفسیر مشروعیت در ساختار قدرت صفوی بر مبنی آرا و رضایتمندی مردم تعبیر گردد، بلکه در واقع اقتضای مشروعیت سلطنت در نظام قدمایی درعدل و دهش است و نه در نتایج و یا منشا آن. چهارباغ در واقع گذری برای عبور و مرور معمول نبود بلکه فضای باغ شاهی بود که بروی مردم گشوده بود (Alemi, ۲۰۰۷). چنین خیابانی با گستره وسیعی از کاربری‌ها، اشارات و ویژگی‌های چند لایه حاوی طیف وسیعی از موارد و نوآوری‌های شهرسازی و مهندسی و جامعه‌شناسی شهری است. در واقع طرح استقرار اصفهان دوره صفوی نشان دهنده‌ی نظامی داخلی است که ساختارش مبتنی بر طرح محوری و چهاربخشی حاصل از تلاقی محورهای زاینده رود و خیابان باشکوه چهارباغ است (Walcher, ۲۰۰۷). که در این میان چهارباغ به عنوان ملکی شاهی با دعوت از عوام به تفرج در زیر سایه درختان تنومند سلطنت به ترکیبی نو در شهرسازی نایل می‌شود (شکل ۱۱).



شکل ۱۱. خیابان چهارباغ در قرن نوزدهم

– مجموعه کاخ‌های دولتخانه

نخست باید توجه داشت که مجموعه‌های سلطنتی و کاخ‌های شاهی در گستره‌ی وسیعی از جغرافیای شهر اصفهان پراکنده است مجموعه‌های هزار جریب، سعادت آباد و فرح آباد گرفته تا عمارت بیگلربیگی در وسط پل خواجه و کاخ‌های آینه‌خانه و هفت دست و ... همه کاخ‌ها و کوشک‌های شاهی هستند که از کنار میدان شاه تا کوه صفه در منتهی‌الیه جنوبی شهر اصفهان و از شرق تا غرب شهر در امتداد رودخانه زاینده رود گسترده شده‌اند. که این امر نشان دهنده اتصال مداوم مناظر شهری با فضاهای سلطنتی است، چنانچه کمتر مناطقی از شهر هستند که نشانی از کاخ‌های سلطنتی را در خود نمی‌بینند. ولیکن بنا به منابع معتبر مفهوم دولتخانه تنها به مجموعه سلطنتی غرب میدان شاه اطلاق می‌شده است که شاخص‌ترین عنصر این مجموعه کاخ عالی‌قاپو بوده است. شاه عباس کاخ اصلی مقرر حکومت را در جوار میدانی

ساخت که آن را میدان اصلی شهر تعیین و مرکزیت شهر را بدان منتقل کرده بود (اهری، ۱۳۸۰: ۲۰). این کاخ از بناهای شاه عباس کبیر است که در ربع اول قرن یازدهم هجری ساخته شده و محل حل و فصل امور کشور و دربار شاه بوده است. مورخین معاصر با شاه عباس اول آن را «دولتخانه مبارکه» نام نهاده‌اند (هنرفر، ۱۳۵۰: ۴۲۰). عالی قاپو عمارتی است شش طبقه شامل یک ایوان شکوهمند ستوندار مشرف به میدان جایی که شاه از آن محل به تماشای مراسم ویژه و بازی چوگان می‌پرداخت و این فرصت را فراهم می‌کرد که مردم بتوانند وی را ببینند. این کاخ همچنین محل پذیرایی از میهمانان و سفرای خارجی نیز بوده است. در عین حال این کاخ نقطه اتصال بازار، مسجد و میدان به دولتخانه است.

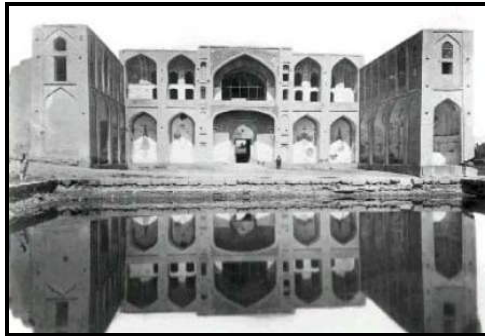


شکل ۱۲. عمارت عالی قاپو

به عبارت دیگر دولتخانه از سویی به نهادهای سنتی جامعه ایرانی یعنی مسجد و بازار گشوده می‌شود و از سوی دیگر به تفرجگاهی عمومی متصل می‌شود که موجد رفاه و آسایش عمومی است. بسیاری وجه تسمیه این کاخ را انتصاب آن به (علی) پیشوای اول شیعیان دانسته نام صحیح آن را (علی قاپو) یا درب علی دانسته‌اند (مختاری اصفهانی و اسماعیلی، ۱۳۸۵: ۱۴۴). گفته می‌شود شاه عباس اول هرگز از دروازه این کاخ سواره عبور نکرده است و دیگران موظف بوده‌اند آستانه این دروازه را هنگام ورود بیوسند تا به رسم شیعیان آن گونه که به بناهای مقدس خویش احترام می‌گذارند ادای احترام کرده باشند. قائل شدن چنین نقشی برای بنایی سلطنتی در تمامی ادوار تاریخی ایران بدون مصداق می‌نماید. این عمل هوشمندانه سیاسی دولتخانه صفوی را در ردیف اماکن مقدس دینی قرار می‌دهد- همچنان که شاه عباس اول با طرح مبانی ولایت دینی برای خویش مقامی هم طراز امامان شیعه ایجاد نمود- این بنا به خوبی نشانگر ظرافت تأمل فلسفه و معماری در دوره صفویست.

معماری کاخ‌های دولتخانه نشان از تمایل فراوان به برون‌گرایی دارد امری که در عصر صفوی بسیار رایج است و در ادوار اسلامی پیشین به چشم نمی‌آید. برون‌گرایی را در معماری صفوی شاید بتوان در اثر الهام گرفتن از کاخ‌های هخامنشی دانست که عباس اول آشکارا به تقلید از آنان و به ویژه کوروش هخامنشی تمایل داشته است. همچنین این برون‌گرایی می‌تواند تأثیر معماری مازندران در شمال ایران بر شیوه‌های صفوی بوده باشد که به واسطه روابط تولیدی خاص و اقلیم متفاوت از گذشته‌های دور برون‌گرا بوده است. و البته شعارهای آزاد اندیشانه و صوفیانه‌ی صفویان و تلاش شیعه برای دوری از جزمی‌گری رایج اسلام سنی نیز نمی‌تواند در

این امر بی‌تأثیر باشد. نکته ظریفی که در تحلیل فضاهای سلطنتی اصفهان صفوی نهفته است حضور تمامی فضاهای سلطنتی در داخل شهر اصفهان که نشان از سیاست ویژه تأمل با مردم دارد. عباس اول علی‌رغم سیاست مستبدانه‌ای که علیه مخالفین خود در پیش می‌گیرد، به بسط سازمانی از رفاه و امنیت در شهرهای تحت امر خویش و به ویژه در اصفهان می‌پردازد. این رفاه در ذیل شکوه سلطنت و قدرت آن رخ می‌دهد همچنان که توسعه فضاهای شهری و شکوه آنان در زیر سایه توسعه محلات سلطنتی و مجموعه‌های وابسته به وی رخ می‌دهد. در هم تنیدگی برنامه‌ریزی شده فضاهایی با کاربری‌ها گوناگون از قبیل بازار و میدان، مسجد و مدرسه و تفرجگاه، منازل اشراف (شکل ۱۳) و روسپی خانه در مجاورت دولتخانه صفوی، در عین حفظ حدود و شأن هر یک از اینها نشان از تعریفی جامع از روابط طبقات مختلف اجتماع با یکدیگر از سویی و در مواجهه با قدرت قاهر سلطنت از سوی دیگر دارد.



شکل ۱۳. سر در عمارت باغ زرشک در حاشیه خیابان چهار باغ

درک این سازماندهی هوشمندانه زمانی میسر است که نقش مینوی شاه صفوی را به عنوان وارث شاهان ایران باستان و در عین حال وارث امامان شیعه شناخته باشیم. در این سازمان فکری به درستی تمام نگاه‌ها به شاه است همچنان که دولتخانه محل اتصال همه عناصر عمده شهر است. گفتمان غالب در دولتخانه صفوی ترکیبی پیچیده از مفاهیم قدرت و سیاست را در بر دارد که از آن می‌توان با عناوین: قدرت - رفاه، قدرت - دین، قدرت - ثروت و در ورای تمامی اینها قدرت - سیاست نام برد.

۶. نتیجه‌گیری

ساختار کالبدی شهر در ایران تابعی از شرایط سیاسی و اجتماعی کشور در ادوار مختلف بوده است و دولتخانه به منزله‌ی تجلی‌گاه آرمان‌ها و موقع تجسد باورهای سلطنت، به عنوان سازمانی اقتدارگرا، خودکامه و مسلط بر تمامی شئون ملت ایران، در دوره مورد مطالعه، حاوی ترجمان بصری از گفتمان غالب بر نظام رفتاری حاکمیت و یا به عبارت بهتر مورد تبلیغ از سوی حاکمیت است. چنانچه در سازماندهی دولتخانه صفوی و به ویژه در ساختار کالبدی عمارت عالی قاپو تلاش در القای مفاهیم تشییع به تأکید آشکار است. سازمان فراطبقاتی سلطنت در ایران با دستمایه قرار دادن جلوه‌های بصری و عناصر معماری به ویژه در دولتخانه، به تبلیغ نظرات و تجسد آرمان‌های خویش می‌پردازد این تجسد چنانچه گفته شد در بطن خویش در برگیرنده گفتمان سیاسی برآمده از قدرت متمرکز است که همواره بر تفاخر و سلطه سلطنت تأکید دارد. ساختار کالبدی و حوزه عملکرد دولتخانه در نظام فضایی شهری به موازات توسعه

مفاهیم سیاسی در سطح تئوری‌های حکومتی بسط و یا قبض یافته و در مواجهه با عوامل فرا سرزمینی به ارائه یا اخذ مفاهیم و عبارات تازه نایل گردیده است. این عبارات که برآمده گفتمان‌های جدید در نظامات سیاسیت به تبع تفوق یا افول باورهای سیاسی در ساخت کالبدی دولتخانه رشد یا افت می‌یابند. دولتخانه در ایران آریایی با گفتمان قدرت - دفاع پا به عرصه وجود می‌نهد و با تکامل نظام سیاسی و توسعه آرمان‌های حکومتی به تدریج در قالب مفاهیم قدرت - هنر، قدرت - لذت، قدرت - سلطه و... به سوی مفاهیم نو در دوره صفویه حرکت می‌کند جایی که گفتمان حاکم بر ساخت فضاهای شهری قدرت - رفاه، قدرت - دین، قدرت - ثروت و نهایتاً قدرت - آزادیست است. آزادی در بازه وسیعی از عملکردهای فردی، آزادی مشروط، ظل سایه قدرت سلطان مطلق.

۷. منابع

۱. اسماعیلی، علیرضا، ۱۳۸۷، چهارباغ در سفرنامه‌ها، مجله گلستان هنر، شماره ۵.
۲. آقاجری، سید هاشم، ۱۳۸۸، مقدمه‌ای بر مناسبات دین و دولت در ایران عصر صفوی، انتشارات طرح نو.
۳. اهری، زهرا، ۱۳۸۰، مکتب اصفهان در شهرسازی؛ زبان شناسی عناصر و فضاهای شهری، انتشارات دانشگاه تهران.
۴. جعفریان، رسول، ۱۳۸۹، نقش خواجه طوسی در سقوط بغداد، اطلاعات حکمت و معرفت، شماره ۱۲.
۵. حبیبی، محسن، ۱۳۷۸، از شار تا شهر، تحلیلی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن، انتشارات دانشگاه تهران.
۶. راوندی، مرتضی، ۱۳۶۷، تاریخ اجتماعی ایران، جلد چهارم، قسمت اول.
۷. رومی، ۱۳۸۰، تاریخ ایران، دوره صفویه، پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات جامی.
۸. شاردن، ۱۷۳۷۲، سفرنامه شاردن.
۹. شفقی، سیروس، ۱۳۸۱، جغرافیای اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان.
۱۰. شوپه، ماریا، ۱۳۸۵، اقامتگاه‌های سلطنتی در هرات، مطالعات صفوی.
۱۱. طباطبایی، سید جواد، ۱۳۸۸، درآمدی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، انتشارات کویر.
۱۲. فرای، ریچارد، ۱۹۸۵، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۳. کاتوزیان، محمد علی، ۱۳۸۸، تضاد دولت و ملت نظریه تاریخ و سیاست در ایران، ترجمه علیرضا طیب، نشر نی.
۱۴. کونونثو، پائولو، ۱۳۸۴، تاریخ شهرسازی جهان اسلام، ترجمه سعید تیز قلم زنوزی، شرکت عمران و بهسازی.
۱۵. مختاری اصفهانی، رضا و اسماعیلی، علیرضا، ۱۳۸۵، هنر اصفهان از نگاه سیاحان از صفویه تا پایان قاجاریه، فرهنگستان هنر، تهران.
۱۶. نعیمه، غلامرضا، ۱۳۸۸، باغ‌های ایران، که ایران چو باغیست خرم بهار، انتشارات پیام.
۱۷. نظریان، اصغر، ۱۳۸۸، پویایی نظام شهری ایران، انتشارات مبتکران.
۱۸. هنرفر، لطف‌اله، ۱۳۵۰، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، تهران زیبا.
۱۹. Alemi, M., ۲۰۰۷, **Princley Safavid Gardens, Stage for Rituals of Imperial Display and Political Legitimacy**, in: Michel Conan (ed) , Middle East Garden Traditions: Unity and Diversity: Questions, Methods and Resources in a Multi cultural Perspective, Dumbarton Oaks Colloquium series in the History of Landscape Architecture, Harvard University Press.
۲۰. CTESIPHON, Jens Kröger, **encyclopedia iranica**.
۲۱. Sayyad, N.A., ۱۹۹۲, **Modelling Traditional Islamic Cities in MIMAR : Architecture in Development**, No. ۴۳.
۲۲. Walcher, H., ۲۰۰۷, **Between Paradise and Political Capital: The Semiotics of Safavid F&ES Bulletin**, No. ۱۰۳, Middle Eastern Natural Environments, Isfahan in Yale.

۲۳. Wolfram Kleiss, ۱۹۹۳, **Safavid palaces**, in :Gulru Necipoglu (ed.), Arts Orientalis, vol. ۲۳.

